

دیدگاه یک

مهدی ربیعی

جایگاه هنر در عینت بخشی به اقتصادمقاومتی

نام گذاری اسمال به عنوان «اقتصاد مقاومتی: تولید - اشتغال» تکلیف همهٔ دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی کشور را مشخص کرد. این نام‌گذاری نشان‌دهندهٔ نگاه عمیق ومدبرانهٔ مقام معظم رهبری به تمامیت امور کشور است.

شاید در وهلهٔ نخست این ذهنیت تداعی‌شود که با این رویکردو نام‌گذاری، رسالت و مأموریتی متوجه حوزه‌های فرهنگی و هنری و مراکز و قشرهای سینمایی نیست؛ ولی شکی نیست که عرصه‌های گوناگون هنر به‌ویژه سینما، به‌دلیل پیوند عمیق و گسترده‌اش با اقتشار جامعه و نیز، به حساب‌شعاع وسیع تأثیرگذاری در رشد و ارتقای فرهنگ عمومی‌از جایگاه حائز اهمیتي در عینت بخشی و تحقق شعاراقتصاد مقاومتیبرخوردار هستند.

هنرمندان و نهادینه‌سازی فرهنگمقاومتی

سینماگران و هنرمندان، هم در عرصهٔ تولید آثار و هم در ارائهٔ الگوهای رفتاری می‌توانند در تحقق این شعار و راهبرد‌های آن نقش آفرین باشند.

این طیف به‌دلیل بر‌خورداری از جایگاه و پایگاه اجتماعی ممتاز، دوست‌داشتنی و تأثیرگذار در معرفی الگوهای درست و سبک صحیح زندگی ایرانی و اسلامی‌مهم هستند. ضمن اینکه در سه دههٔ پس از انقلاب اسلامی، سینما، همواره نشان‌دهندهٔ است در شناسایی و نهادینه‌سازی گذارهای مهم و ترسیم افق‌های تازه در بستر «فرهنگ و جامعه» نقش و کارکردبی‌بدیلی داشته‌وبه‌موازات‌سایر رسانه‌ها و حتی، جلوتر و پیشگام‌تر از آن‌ها، درجهت تحقق منویات رهبری و مفاهیم کلان انقلاب حرکت کرده است.

با نگاهی به فلسفهٔ سینمایی انقلاب اسلامی‌می‌توان مهم‌ترین رسالت آن را تبیین و ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی‌عنوان کرد و پیام‌های رهبری را که عصاره و برآیند ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی جامعه‌وتاریخ معاصر است، در همین راستا‌نست.

سینمارسانه‌های است‌نافذو تعیین‌کننده و امروزه، در بسیاری از کشورها برای بسترسازی و عملیاتی‌کردن برنامه‌ها و راهبردهای کلان ملی و بین‌المللی از این رسانه بهره‌گیری می‌کنند. نمی‌توان رابطهٔ سینما با منافع ملی را نادیده گرفت. ازاین‌رو، این‌رسانه در دو‌بعد، قادر است برای نهادینه‌سازی مفهوم اقتصاد مقاومتی و گسترش آن در پهنهٔ فرهنگ عمومی ایفای نقش کند.

ضرورت اتخاذسیاست‌های شفاف از هنر برای تبیین تولیدواشتغال
سالانه بیش از صدفیلم در کشور تولید می‌شود و در حوزهٔ سینمای مستند و کوتاه این رقم به چندهزارعنوان می‌رسد. بدیهی‌است تدوین سیاست‌های شفاف و ابلاغ آن و نیز، جهت‌دهی و هدایت درست مفاهیم و مضامین به‌سمت نیازهای محتوایی و مفهومی جامعه از جمله رسالت‌ها و مأموریت‌های مراکز و سازمان‌های ذی‌ربط در این عرصه‌است.

به‌راحتی می‌توان بخشی‌از سیاست‌های حمایتی و بسته‌های تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مراکز دیگر را به‌سمت تولید آثاری مبتنی بر شعار محوری سال و موضوع اقتصاد مقاومتی سوق داد. نکتهٔ مهم دیگر، به جایگاه رسانه‌ای و الگوسازی و الگوذهی جامعهٔ سینمایی و سینماگران مربوط می‌شود. اقتصادمقاومتی کلیدواژهٔسبک‌وسباق زندگی ایرانی و اسلامی است. شکی نیست که سینما ومحمولات سینمایی جریان‌ساز هستند و در ترسیم سبک و تکوین عواطف اجتماعی نقشی نافذو ماندگار دارند.

***کارشناس اموررسانه**



آقای فرهمند، با توجه به تأکید مقام معظم رهبری دربارهٔ اشتغال وتولید، تا چه اندازه هنر تصویر برابری رسیسین باقی‌ارز شما در اقتصادمقاومتی مهم می‌دانید؟

باید قبول کنیم که امروزه فیلم و سینما دارای فضایی است که به پول وابستگی دارد و ایجاد شرایط مناسب نیز به تصمیمات مدیران ما برمی‌گردد. تولید فیلم، خطاطی یا نقاشی یا هر کار فردی دیگری نیست که صرفا بر شانه‌های نیروی شخصی بچرخد.

از طرفی در گذشته زندگی‌ها به اندازهٔ امروز پیچیده نبود و نگرانی‌های مالی‌مان تا این اندازه جدی نشده بود؛ یعنی حتی اگر پول هم نبود، اشخاص می‌توانستند در روابطی به‌نام دوستی و تشکیل تیم، کارهایشان را انجام دهند که اساسا تاریخ تصویر نشان می‌دهد کارهای خوبی هم از این همدلی‌ها ماندگار شده است؛ اما با توجه به رابطهٔ مستقیم زندگی‌های امروزی با اقتصاد نمی‌توان روی کارهای تیمی یا دستمزد کم حساب کرد. به همین دلیل است که می‌گویم این مسئله به تصمیمات مدیرانمان وابسته است. این روزها می‌بینیم بحران‌های اقتصادی به شدت در سینما تأثیرگذارند؛ البته فقط بحث اقتصادی نیست، گاهی به پروژه از نظر مالی قوی است، اما چیزی نتیجه نداده است.

متأسفانه در ایران حرکت منسجم و ادامه‌داری وجود ندارد. با قدری تأمل متوجه هستیم گاهی یک مدیر فقط چند ماه در جایگاه خود باقی می‌ماند و برنامه‌هایش اصلا انجام نمی‌شود. از طرفی سینما و تلویزیون فضای دائمی نیست و هیچ‌کسی نمی‌تواند روی آیندهٔ آن حساب کند؛ بنابراین ما نتیجهٔ قابلی نمی‌بینیم.

هم‌اکنون متولیان زیادی در این عرصه کار می‌کنند، مثلا انجمن سینمای جوان، حوزهٔ هنری، حتی جهاد کشاورزی و... همه تولیدکننده هستند؛ اما این متولیان در برهه‌ای خاص وضع اقتصادی خوبی داشتند، ولی بعد از مدتی کار خاصی انجام نداده‌اند. البته من معتقدم این مشکل صرفا متعلق به سینما نیست وما در بخش‌های زیادی در کشور حرکتی مداوم و منسجم نداریم.

مامادام از طریق خوداهالی سینما و تلویزیون کلایه‌هایی دربارهٔ تأثیر روابط و زویندها را برای گرفتن بودجه می‌شنویم؛ اینکه نتوانستند افراد در مرحلهٔ دوم اهمیت‌دار، نظر تان در این باره چیست؟
جایی را نام ببرید که این گونه روابط کم‌رنگ‌تر است! من اگر بخواهم در بخش و تخصص خودم یعنی مستند صحبت کنم، باید بگویم در شکل کلان ماجرا وقتی کارگردانی روابط خوبی در گرفتن پروژه دارد، اما نتوانند‌های لازم را نداشته باشد، خواه ناخواه از گردونه حذف می‌شود.

شما اگر به تعداد فیلم‌های تولیدی در چند سال اخیر نگاه کنید، می‌بینید که صرفا کارگردان‌های زیادی با انجام یکی دو کار حذف شده‌اند. واقعیت ماجرا این

نتوانستیم خودمان را قانع کنیم که از نفت به‌عنوان سرمایه‌ملی استفاده‌کنیم

احساس نیاز واقعی به هنر و ادبیات نداشتیم

ما حوزهٔ فضاهای فرهنگی و هنری‌مان را منطقی دنبال نکرده ایم. هنر و ادبیات وجود دارد، اما احساس نیاز واقعی نسبت به این مسئله نداریم. ما هیچ‌وقت اقتصاد و هنر را جدی نمی‌گیریم. ما هنوز نتوانسته‌ایم خودمان را قانع کنیم که از نفت به‌عنوان سرمایه‌ملی استفاده کنیم. ما باید بودجه‌مان از تولید اتمان تضمین‌شود و تکیه‌ای بر نفت نداشته باشیم.



حمیده وحیدی – با توجه به سیاست‌های کلی ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری، یکی از وظایف مهمی که بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار داده شده گشتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین این موضوع توسط رسانه‌ها و ابزارهایی است که در اختیار دستگاه فرهنگی و هنری کشور قرار دارد. مسلمانمی‌توان جایگاه تلویزیون، سینما و مستند را در این زمینه نادیده گرفت؛ چرا که هنر تصویر در هر کشوری در اصل آینه‌ای است که در دو جهت موازی کار و خدمات صورت‌گرفته را بازتاب می‌کند. به همین بهانه مصاحبه‌ای داشتیم با رضا فرهمند، یکی از کارگردان‌های خراسانی که برندهٔ سیمرغ بلورین در بخش بهترین فیلم‌مستند از بیست‌وهشتمین دورهٔ جشنوارهٔ فیلم فجر برای فیلم نیمه‌بلند «آفاق صعود» شده‌است.

حمله وحیدی – با توجه به سیاست‌های کلی ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری، یکی از وظایف مهمی که بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار داده شده گشتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبیین این موضوع توسط رسانه‌ها و ابزارهایی است که در اختیار دستگاه فرهنگی و هنری کشور قرار دارد. مسلمانمی‌توان جایگاه تلویزیون، سینما و مستند را در این زمینه نادیده گرفت؛ چرا که هنر تصویر در هر کشوری در اصل آینه‌ای است که در دو جهت موازی کار و خدمات صورت‌گرفته را بازتاب می‌کند. به همین بهانه مصاحبه‌ای داشتیم با رضا فرهمند، یکی از کارگردان‌های خراسانی که برندهٔ سیمرغ بلورین در بخش بهترین فیلم‌مستند از بیست‌وهشتمین دورهٔ جشنوارهٔ فیلم فجر برای فیلم نیمه‌بلند «آفاق صعود» شده‌است.

شرایط و فضا، ارزشمندی کارهای باکیفیت از بین می‌رود. به‌راحتی تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های خوب حذف می‌شوند؛ چرا که می‌دانند بعدها در فضای نظارتی کسی از آن‌ها تولید باکیفیت را نمی‌خواهد. چرا که تهیه‌کننده برای کار قوی به هزینهٔ بیشتری نیازمند است، اما همان فیلم با کیفیت پایین به کسی که توانمندی کمتری دارد، داده می‌شود؛ چون که راندمان ما دقایق تولید است. البته باز هم تأکید دارم متأسفانه توجه به کیفیت در فضای نظارتی ما در رابطه‌های نیمه‌پنهان حل و فصل می‌شود و این نتیجه‌ای است که می‌بینیم.

منظور تان این است که این سال‌ها یک مدیر با اخلاق و گروه نظارتی خوب نداشتیم؟
حتما هست و ما مدیران خوب هم داشته‌ایم؛ اما می‌بینید که عمر مدیران ما چقدر است؟ همین الان در یکی از ارگان‌های مشهد مدیر خوبی داریم که آوازه‌اش تمام کشور را گرفته، اما همین فرد سریع به‌رده‌ای دیگر انتقال پیدا می‌کند؛ بنابراین می‌بینیم عمر مدیریتی وجود ندارد. یعنی کمتر داریم مدیر متعددی که هفت یا هشت سال در یک مکان ثابت حضور داشته باشد.

پس در فضایی که همه چیز موقتی و سطحی دنبال می‌شود، چطور می‌شود کاری زیربنایی و تأثیرگذار انجام‌شود؟ همیشه گفته‌ام ما در حوزهٔ فضاهای فرهنگی و هنری‌مان هیچ چیز را جدی دنبال نمی‌کنیم. یعنی نه اینکه چیز جدی وجود نداشته باشد، بلکه هست؛ اما منطقی دنبالش نرفته‌ایم. هنر و ادبیات وجود دارد، اما احساس نیاز واقعی نسبت به این مسئله نداریم.

به نظرم ما تازمانی که نفت داریم، باز هم این مشکل را خواهیم داشت. ما هیچ‌وقت اقتصاد و هنر را جدی نمی‌گیریم. ما هنوز نتوانسته‌ایم خودمان را قانع کنیم که از نفت به‌عنوان سرمایهٔ ملی استفاده کنیم. ما باید بودجه‌مان از تولید اتمان تضمین‌شود و تکیه‌ای بر نفت نداشته باشیم. تا وقتی این مدیران به میراث زمین چشم داشته باشند، ته دلشان نمی‌لرزد؛ چرا که

تحت تأثیر اخلاق قرار نمی‌گیرد. اقتصاد به دنبال پول و منفعت‌های شخصی است. از طرفی فضای نظارتی ما به نظرم در همه‌جا همین‌طور است و تنها سینما و تلویزیون را شامل نمی‌شود. می‌توان گفت فضای نظارتی خوبی نداریم. وقتی تعاریف ما اشتباه است، چطور می‌توانیم خروجی خوبی داشته باشیم؟ وقتی از یک مدیر رسانه از گزارش کارش می‌پرسند پاسخ می‌دهد: «یک هزار دقیقه یا یک هزار میلیون دقیقه تولید داشته‌ام» و کسی مطالبه‌گری محتوایی نمی‌کند، چه توقعی باید داشت؟ اصلا محتوای تولیدات چیست؟ متأسفانه میزان سنجش ما کمیت است. پس می‌بینیم در این



فعال تر نامید.

چرا با اینکه مشهد شهری صنعتی با داشتن کارخانجات مختلف است، اما هیچ‌وقت نتوانستیم از آن‌ها به‌عنوان پشتیبانی برای تولیدات تصویری استفاده‌کنیم؟
اگر بخواهم شخصا دربارهٔ کارهای خودم نظر بدهم، شاید هیچ‌وقت نتوانسته‌ام تولیداتم را موازی با تبلیغ یک کارخانه‌هم قرار دهم؛ کم‌اینکه این افراد سرمایه‌گذار هم برایشان توجه زیادی ندارد که به مستندسازان کمک کنند. هر چند سوزه‌های من غالبا در بحث‌های کلان کشور همچون موضوعات صلح و جنگ و... بوده است، همین‌طور فکر می‌کنم این افراد علاقه‌مند به ورود و کمک حداقل در بحث مستند نیستند.

فصل بیه سرمایه‌گذاران و هنرمندان زیاد است و عملا هم باید بگویم هیچ اتفاقی رخ نداده است؛ چه‌بسا اینکه ممکن است برخی از کارگردان‌های داستانی به این سمت بروند. از طرفی ما بحث دیگری دربارهٔ اسپانسرهای سازمانی داریم. برای نمونه کمیتهٔ امداد، تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت که می‌شود آن‌ها

دیدگاه دو

محسن یزدی
مدیر «مرکز مستندسوز»
وابسته به سازمان سینمایی حوزهٔ هنری
سرمایه‌ها نباید صرفا در تهران خرج‌شود
آقای یزدی، در جلسه‌ای که در حوزهٔ هنری با مستندسازان مشهدی برگزار شد، تأکید بر بومی‌سازی داشتید. بومی‌سازی چه مزایایی برای کارمستنددار؟

طبق گفتهٔ یکی از دوستان، بهتر است بگویم ما اصلا مستندساز تهرانی نداریم و غالبا بهترین مستندسازانمان شهرستانی هستند. در شهرستان‌ها دستمزدهای انجام کار پایین‌تر و تعامل بچه‌ها بهتر است؛ از طرفی باید عدالتی وجود داشته باشد و حالا که امکاناتی دست‌ماست، نباید همگی یک‌جا و صرفا در پایتخت خرج‌شود. ما تلاش می‌کنیم تا جایی که امکان دارد، به جوانان مستعد و کوشا کمک کنیم که در شهرهایشان بمانند و به تهران مهاجرت نکنند؛ زیرا مهاجرت هنرمندان به پایتخت نه تنها مضر است، بلکه باعث می‌شود نتوانیم دیگر آن نگاه نو را در کارها ببینیم. توجه به مستندسازهای شهرستانی از اولویت برنامه‌های ما در سال ۹۵ بود که معتقدیم هنوز قدم‌های مؤثر در این زمینه را برداشته‌ایم و با توجه به اینکه در شهرستان‌ها پتانسیل زیادی برای ساخت فیلم‌های مستند وجود دارد، سعی کردیم خودمان پیش‌قدم شویم و برای اطلاع از برنامه‌هایمان به شهرهای می‌رویم. جوانان زیادی به‌خاطر کمبود بودجه استعدادهایشان از بین می‌رود و این مسئله برای من همچون یک کابوس است.

در آن جلسه اشاره کردید که مشکل بودجه‌نذارید و از کسانی که علاقه‌مند به کار هستند نیز دعوت به‌کار می‌کنید.

بله. ما از کسانی که واقعا نگاه‌نوراند، حمایت می‌کنیم؛ البته ممکن است همهٔ افراد گمان ببرند که کارشان خوب باشد، اما مستند قابل قبول چیزی است که کارشناسان بر آن مهر تأیید بزنند. حوزهٔ هنری در مراکز استان‌ها دفاتری دارد که ما از این طریق مستندسازها را شناسایی می‌کنیم. مراکز استان‌ها تا جایی که بتوانند به جوانان با استعداد در ساخته‌هایشان کمک می‌کنند. هم‌اکنون نیز در مشهد چند کارگردان گمنام، اما توانمند را شناسایی کرده‌ایم که قصد داریم با آن‌ها کار کنیم؛ البته همهٔ این‌ها به تلاش‌های خودشان هم بستگی دارد. غالبا شده است که من در شهری جلسه گذاشتم، اما هیچ‌تماسی نداشت‌ام.

در سال جدید چه برنامه‌ای دارید؟
همیشه خواسته‌ایم با توجه به امکانات کمی که وجود دارد، مستندها را به‌سمت منافع ملی ببریم. در بحث‌های اشتغال و اقتصاد مقاومتی جلسات مشورتی زیادی را تشکیل دادیم تا به این نتیجه رسیدیم: «مستندهای اطلاع‌رسان، کوتاه و آموزشی بیشتر در این حوزه جواب‌گو خواهد بود.» البته خود بنده با توجه به اینکه در برخی از جشنواره‌ها نیز داوری می‌کنم، از سال گذشته تا امروز مستندهای زیادی را از شهرهای مختلف دیده‌ام که ساخته شده‌اند و به بحث اقتصاد مقاومتی می‌پردازند. مثلا در جشنوارهٔ فیلم کوتاه «سما» که جزو هیئت انتخاب جشنواره بودم، شاید بیشتر از نیمی از مستندهایی که دیدم، راجع به اقتصاد مقاومتی بود؛ البته تولید تنها کافی نیست. تولید باید برای پخش صورت بگیرد؛ بنابراین فرم، محتوا و غالب هم اهمیت دارد. الان مستندهای زیادی ساخته شده است که نمی‌توان گفت همگی‌شان خوب یا بد است، بلکه همه‌جور کاری بینشان دیده می‌شود.

به‌نظرم هنوز در این حوزه باید عمیق‌تر فکر کرد. اگر همهٔ مراکز تولید هم‌گام شوند، می‌توانند فیلم‌های بزرگی بسازند. در حال حاضر در بحث اقتصاد مقاومتی تولید کم نداریم؛ اما تولید فیلم خوب کمتر دیده می‌شود. هم‌اکنون مشکل ما اصلا پول نیست، بلکه در بخش وی‌سابلگی گرفتاریم. به نظرم باید به کیفیت و اثرگذاری فکر کنیم. مثلا دربارهٔ آب، قاچاق، تولید ملی و... باید هدف‌گذاری

شود.

در جشنواره دارند، تقدیر شود. فکری که کم‌بعد از آن سال هنوز هم مشهدی‌ها در بخش مستند سیمرغ نگرفته‌باشند.

یادم هست به دوستان پیام‌دادم: «این فیلم متعلق در فضای مستند همه چیز کماکان بر روی رفاقت می‌چرخد. فکر می‌کنم حتی در فضای اساتید داستانی هم کسی انتظار عجیب‌وغریبی ندارد. وقتی این‌گونه اتفاق‌ها رخ نمی‌دهد، همه کارها شخصی‌صورت می‌گیرد و ما شاهد اتفاقی جمعی نیستیم. خیلی‌وقت‌ها فرد مستعد، زمان را از دست می‌دهد.

آیا در این ده‌سالی که از مشهد مهاجرت کردید، هیچ‌وقت از شما درخواست برگشت و ادامه‌کار شده‌است؟

نه. حقیقتا این مسئله صرفا هم‌متعلق به من نیست؛

اما گاهی برخی اتفاق‌ها می‌افتد که آدم تعجب می‌کند. در سالی که یکی از فیلم‌هایم سیمرغ

گرفت، با اینکه موضوع آن دربارهٔ معلولی مشهدی بود، اما باز هم هیچ کاری برایش در مشهد انجام

نشد. جلسه‌ای برگزار شده بود تا از کسانی که فیلم